

(بررسی مولفه‌های ژئواکونومیک موثر بر مناسبات ایران و عراق)

زینب فاخر جعفر^۱، محسن جانپور^{۲*}، ساجد بهرامی جاف^۳

۱- دانشجوی کارشناسی ارشد، رشته تحصیلی و محل خدمت. هر نویسنده در یک خط

۲- استادیار جغرافیای سیاسی دانشگاه فردوسی مشهد (نویسنده مسئول)

۳- دانش آموخته دکتری جغرافیای سیاسی دانشگاه فردوسی مشهد

Investigating The Geo-Economic Components Affecting Iran-Iraq Relations

Zainab Fakher Jafar, ^{1*}, Mohsen Janparvor ², Sajed Bahrami Jaf ³

1- Master's student, political geography, Ferdowsi University of Mashhad

2- Assistant Professor of Political Geography, Ferdowsi University of Mashhad (corresponding author)

3- PhD candidate in Political Geography of Ferdowsi University of Mashhad

Janparvar@um.ac.ir

چکیده

اهمیت‌یابی و جایگاه برجسته مسائل اقتصادی در مناسبات بین کشورها زمینه شکل‌گیری و توسعه مباحث و مسائل ژئواکونومیک را در مقیاس‌های مختلف ملی، منطقه‌ای و جهانی فراهم آورده است. در این میان، با توجه به وابستگی و همبستگی کشورهای همسایه نظیر عراق و ایران از نظر اقتصادی به یکدیگر اهمیت جایگاه مباحث ژئواکونومیک روی مناسبات بین دو کشور از اهمیت بالایی برخوردار می‌باشد. چرا که می‌تواند روی روابط بین دو کشور همسایه، مناسبات سیاسی و اقتصادی و غیره اثرگذاری بالایی داشته باشد و نوع نگرش دو کشور را نیز به یکدیگر تحت‌تأثیر قرار دهد. با توجه به این اهمیت تحقیق حاضر با هدف درک مولفه‌های ژئواکونومیک موثر بر مناسبات دو کشور همسایه جمهوری اسلامی ایران و عراق با روش توصیفی و تحلیلی به انجام رسیده است. نتایج حاصل از تحقیق حاضر نشان دهنده آن است که مولفه‌های ژئواکونومیک موثر بر مناسبات جمهوری اسلامی ایران و عراق نشان دهنده آن است که این مولفه‌ها در قالب دو بخش مولفه‌های ژئواکونومیک مستقیم (اولیه) و غیر مستقیم (ثانویه) که شامل ۳ مورد است بر روی مناسبات دو کشور اثرگذار هستند.

واژه‌های کلیدی

ژئواکونومی، مناسبات، ایران، عراق

Abstract

Finding the importance and prominence of economic issues in the relations between countries has provided the basis for the formation and development of geo-economic issues and issues at different national, regional and global scales. In the meantime, due to the dependence and solidarity of neighboring countries such as Iraq and Iran from an economic point of view, the importance of geo-economic issues on the relations between the two countries is of great importance. Because it can have a high impact on the relations between two neighboring countries, political and economic relations, etc. and also affect the attitude of the two countries towards each other. Considering this importance, the current research has been carried out with the aim of understanding the geo-economic components affecting the relations between the two neighboring countries, the Islamic Republic of Iran and Iraq, using a descriptive and analytical method. The results of this research show that the geoeconomic components affecting the relations between the Islamic Republic of Iran and Iraq show that these components are in the form of two parts, direct (primary) and indirect (secondary) geoeconomic components, which include 3 items. They affect the relations between the two countries.

Keywords: Geoeconomy, relations, Iran, Iraq

۱- مقدمه

جغرافیا همواره نقش مهمی در امور بشر داشته است. به هویت، سرشت و تاریخ حکومت‌های ملی شکل بخشیده، به توسعه اجتماعی، سیاسی و اقتصادی آنها یاری رسانده یا مانع آن شده است و نقش مهمی در مناسبات بین‌المللی آنها بازی کرده است. در این میان ژئوپلیتیک به‌نوبه خود که یکی از جنبه‌های مطالعاتی و اصلی آن بررسی تأثیر مولفه‌های جغرافیایی بر رفتار خود که یکی از جنبه‌های مطالعاتی و اصلی آن بررسی تأثیر عوامل جغرافیایی بر رفتار حکومت‌هاست، به دنبال کشف و اثبات این واقعیت است که چگونه موقعیت مکانی، اقلیم، منابع طبیعی، جمعیت و غیره (حسین‌پور پویان، ۱۳۹۲، ص ۱۶۲) به‌عنوان ارزش‌های جغرافیایی و منابع جغرافیایی قدرت معنی پیدا کرده و بر کنش‌های کشورهای اثر می‌گذارند. بر این مبنا باید توجه داشت، جغرافیا تولیدکننده فرصت‌ها و محدودیت‌ها برای انسان‌هاست و دولت‌ها می‌کوشند از فرصت‌ها استفاده کرده و بر محدودیت‌ها غلبه کنند (حافظ‌نیا، ۱۳۸۵، ص ۱۵۵) و از این طریق مناسبات خود با سایر بازیگران را تنظیم کرده و بر اساس آن منافع و اهداف خود را پیگیری نماید. چرا که آنچه در مناسبات ژئوپلیتیکی تأثیرگذار و مشخص‌کننده است، ماهیت، کیفیت و چگونگی دستیابی به حداکثر منافع است که همواره هدف همه بازیگران سیاسی و روابط بین آنهاست. با پایان جنگ سرد و سقوط امپراتوری کمونیستی، جهان شکل تازه‌ای یافت که درگیری‌های مسلکی در ابتدا نقشی چندان در آن نداشت؛ بنابراین به ارتباط میان اقتصاد و ژئوپلیتیک از نواندیشیده شد. به صحنه آمدن واژه ژئواکونومی که در چهارچوب آن روابط میان انسان، در مقام بازیگر اقتصادی با فضایی که در آن تحول مورد بررسی و مطالعه قرار می‌گیرد، موجب شد برخی سیاست‌پردازان، از این مفهوم تعبیر جنگ اقتصادی داشته باشند و از این راه بر نقش اقتصاد در تحلیل سیاست دولت‌ها تأکید کنند (پاسکال و توال، ۱۳۸۱، ص ۱۰۱). پایه و اساس این بحث حدود یک سال بعد از انتشار نظریه «پایان تاریخ» فرانسیس فوکویاما، توسط ادوارد لوتواک در مخالفت با استدلال‌ها و نتیجه‌گیری وی، در مقاله‌ای که تحت عنوان «از ژئوپلیتیک تا ژئواکونومی» در نشریه نشنال اینترست منتشر گردید. او در مقاله خود استدلال کرد که زوال جنگ سرد در واقع نشان‌دهنده تغییر مسیر و حرکت از ژئوپلیتیک به سمت ژئواکونومی در دنیای سیاست است. بر اساس ادعای او افراد در حال حاضر بر این اعتقادند که روش‌های بازرگانی و تجاری در حال جایگزین شدن با روش‌های نظامی در دنیای سیاست است (دالب، اتوتایل، و روتلج، ۱۳۸۰، ص ۱۴۸). به‌گونه‌ای که ژئوپلیتیک از رهیافت نظامی، رویکردی ژئواکونومیک یافته است (لوتواک، ۱۹۹۰، ص ۲۸۹) و مولفه‌های ژئواکونومیک توانست اثرگذاری برجسته‌ای در شکل‌دهی و هدایت مناسبات بین کشورها برخوردار شود. در این میان، کشورهای جنوب غرب آسیا به‌صورت عام و کشور عراق و ایران نیز به‌صورت خاص قاعداً از این تحولات اثر پذیرفته و مناسباتشان تحت تأثیر مولفه‌های ژئواکونومیک قرار گرفته است. از این‌رو درک و شناخت مولفه‌های ژئواکونومیک مؤثر بر مناسبات دو کشور همسایه عراق و ایران از اهمیت و جایگاه برجسته‌ای می‌تواند در مناسبات و کنش‌های پیش‌روی دو کشور همسایه داشته باشد. براین‌اساس، در مقاله حاضر تلاش خواهد شد مولفه‌های ژئواکونومیک کشور عراق در شکل‌دهی به مناسبات و طراحی استراتژی‌های این کشور با جمهوری اسلامی ایران درک شود تا از این طریق بتوان مناسبات و استراتژی‌های بهتری پیش‌روی کشور دو کشور همسایه یعنی عراق و ایران قرار داده شود و زمینه افزایش کنش هم‌سو و هم‌افزا بین دو کشور افزایش پیدا کند.

پیشینه تحقیق

شروع هر کار علمی به‌صورت نظام‌مند مبتنی بر شناخت و درک پیشینه و سوابق کارهایی است که در حوزه موضوع و مسائله تحقیق مورد بحث و بررسی قرار گرفته است. به هر میزان محقق بتواند نسبت به شناخت پیشینه و سوابق تحقیق نگاه جامع‌تر و دقیق‌تری را کسب کند حرکت دقیق‌تر و نظام‌مندتری را می‌تواند در پیشبرد تحقیق داشته باشد. در تحقیق حاضر بررسی‌های صورت‌گرفته نشان‌دهنده وجود کارهایی در زمینه مسئله تحقیق است که به‌صورت جزئی و یا با نگرشی متفاوت بحث را مورد بررسی قرار داده‌اند. اما هیچ یک از کارها به‌صورت جامع و نظام‌مند مسئله مولفه‌های ژئواکونومیک مؤثر بر مناسبات بین دو کشور عراق و ایران را مورد بررسی قرار نداده‌اند. برخی از این منابع به‌صورت ذیل هستند:

جدول ۱: پیشینه شناسی تحقیق

ردیف	نویسنده (گان)	عنوان کار پژوهشی	توضیحات
۱	طیبه فواز (۲۰۱۸)	مقاله: توسعه تاریخی روابط عراق و ایران و چشم‌انداز آینده آن‌ها	در مقاله بیان شده است که مناسبات عراق و ایران پایه تاریخی دارد و بسیاری از مسائل آن جامانده از دوره های قبل است. از جمله این مسائل به اختلاف بین شیعیان و اهل سنت اشاره شده است. از جمله دیگر مولفه های موثر در این زمینه جنگ دوم خلیج فارس و حضور قدرتهای فرامنطقه ای است.
۲	جعفری نیا (۱۳۹۹)	مقاله: بنیان‌های ژئوپلیتیکی روابط ایران با عراق نوین	در مقاله آورده شده است که دولتمردان ایران سعی دارند از یک طرف طی توسعه مناسبات با شیعیان و دولت مرکزی با استفاده از عنصر مذهب و ایدئولوژی در سیاست خارجی، قدرت سیاسی و نظامی خود را به‌عنوان بازیگر اول ژئوپلیتیک شیعه در منطقه و جهان افزایش دهند و از سوی دیگر با توسعه مناسبات با اقلیم کردستان عراق طی تنظیم مناسبات دوجانبه و چندجانبه با اکراد، ترکیه در این حوزه سوپاپی برای امنیت ملی خود فراهم نمایند.
۳	کریمی پور، عزیزی، ربیع، و متقی (۱۳۹۷)	مقاله: تبیین مولفه‌های ژئوپلیتیک اثرگذار بر پیوند استراتژیک کشورها مطالعه موردی: ایران و عراق	در مقاله بیان می‌شود که عوامل مؤثر بر پیوند استراتژیک دو کشور شامل مولفه‌های محیط داخلی (مولفه‌های اقتصادی، اجتماعی - فرهنگی، مولفه‌های جغرافیایی و سیاسی، امنیتی و ژئوپلیتیکی)، محیط منطقه‌ای و سرانجام محیط جهانی می‌شود.
۴	هاشمی، فرجی راد و سرور (۱۳۹۵)	مقاله: بررسی عوامل مؤثر ژئوپلیتیکی عراق و تأثیر آن بر امنیت ملی جمهوری اسلامی ایران	در مقاله بیان می‌شود که‌های ژئوپلیتیکی عراق و تأثیر آن بر امنیت ملی ایران، حول سه محور هویت ملی - مذهبی، جغرافیای سیاسی و انزوای ژئوپلیتیکی، است. منابع عظیم نفتی، تنگنای ژئوپلیتیکی و رقابت هویتی عرب - عجم، عامل اصلی تحت‌الشعاع قراردادن امنیت ملی ایران محسوب می‌شود که بر استراتژی‌ها و سیاست‌های کشور عراق تأثیرگذار است.
۵	هادی حمید (۱۴۰۱)	پایان‌نامه: تحلیل ژئوپلیتیکی منابع جغرافیایی قدرت کشور عراق	در پایان‌نامه حاضر، مهم‌ترین مولفه‌های ژئوپلیتیک کشور عراق شامل ۲۸ مورد می‌باشد که در قالب چهار بعد منابع جغرافیایی قدرت با ماهیت طبیعی هفت مورد، منابع جغرافیایی قدرت با ماهیت انسانی ده مورد، منابع جغرافیایی قدرت با ماهیت ترکیبی هشت مورد و منابع جغرافیایی قدرت با ماهیت مصنوعی سه مورد را شامل می‌شوند. این مولفه‌های ژئوپلیتیک ۲۸ گانه به‌صورت مستقیم و غیرمستقیم بر مناسبات کشور عراق با سایر بازیگران تأثیرگذار است.
۶	حیدری نکو (۱۳۹۰)	پایان‌نامه: نقش میدان‌های مشترک نفتی بر روابط ایران و عراق بعد از قطع‌نامه ۵۹۸	در پایان‌نامه حاضر بیان می‌شود اختلافات ارضی و مرزی به‌خصوص اختلافات بر سر میدان‌های مشترک نفتی، به همراه مسائل مذهبی همچون تبعیض علیه شیعیان در عراق و مسائل قومی و نژادی همانند مناقشه عرب و عجم، حضور اکراد در دو سوی مرزهای ایران و عراق به همراه خوی توسعه‌طلبی حاکمان بغداد از جمله عوامل اصلی تنش یا منازعه میان دو کشور در نیم‌قرن اخیر محسوب می‌گردند.
۷	رشنو و حمیدی فراهانی (۱۳۹۲)	کتاب: نگاهی به ژئوپلیتیک و دیپلماسی اقتصادی جمهوری اسلامی ایران	در کتاب حاضر یکی از پایه های اصلی شکل دهنده مناسبات ایران در قرن ۲۱ مولفه های ژئواکونومیک بیان شده است. برخی از مهمترین این مولفه ها در قالب نفت و گاز، معادن، صادرات و واردات، تولیدات کشاورزی و غیره آورده شده است.

روش تحقیق حاضر توصیفی-تحلیلی است و برای گردآوری اطلاعات از منابع کتابخانه‌ای و اینترنتی و یافته‌های میدانی (پرسش‌نامه‌ای) استفاده شده است. برای طراحی پرسشنامه ای در گام اول مولفه های ژئواکونومیک موثر بر مناسبات بین کشورها از نظریه ها و تحقیقات گذشته استخراج شده است.

مباحث نظری

- ژئواکونومی

بعد از فروپاشی اتحاد جماهیر شوروی در دهه پایانی قرن بیستم، تغییرات بنیادی و عمده‌ای در حوزه‌های معرفتی و شناختی جوامع علمی و سیاسی در پی داشت. یکی از مفاهیم نوینی که بعد از این فروپاشی در عرصه بین‌الملل و ژئوپلیتیک برای تحلیل مسائل راهبردی و بین‌المللی و رقابت قدرت‌ها از آن بهره می‌برند و چارچوب تحلیلی این پژوهش را نیز در برمی‌گیرد، رویکرد ژئواکونومیک است. ادوارد ان. لوتواک در سال ۱۹۹۰، پارادایم ژئواکونومی را با مفهومی گسترده وارد روابط بین‌الملل، ژئوپلیتیک و سایر دانش‌های سیاسی مرتبط با تحلیل‌های کلان بین‌المللی کرد. این متفکر خبر از فرا آمدن نظام نوین بین‌المللی در دهه ۹۰ داد که در آن مؤلفه‌های اقتصادی جایگزین اهداف نظامی و ژئواستراتژیک می‌شوند. به عقیده وی عامل منازعات و درگیری‌های قرن بیستم در قرن حاضر (بیست و یکم) دیگر موضوعات قرن گذشته نیست، بلکه در کنار هر تنشی یک عامل اقتصادی خودنمایی می‌کند (کمپ، ۱۳۷۳، ص ۱۰۷). مبتنی بر این اهمیت‌یابی اقتصاد، مفهوم ژئواکونومی برجسته شده است و به صورت‌های ذیل تعریف شده است:

ژئواکونومی اثرگذاری عوامل یا زیر بناهای اقتصادی در محیط کشوری، منطقه‌ای و جهانی در تصمیم‌گیری‌های سیاسی و رقابت‌های قدرتی و اثرگذاری این عوامل در ساختار شکل‌گیرنده ژئوپلیتیک منطقه‌ای یا جهانی را مطالعه می‌کند (مجتهدزاده، ۱۳۹۶، ص ۱۳۰).

در تعریف دیگر بیان می‌شود که، ژئواکونومی از ترکیب سه عنصر جغرافیا، قدرت و اقتصاد شکل گرفته و به نظر می‌رسد سیاست که عامل مهمی در ژئوپلیتیک بوده، جای خود را به اقتصاد داده است (عزتی و ویسی، ۱۳۸۵، ص ۲۹). اما تعریف و برداشتی که پایه تحقیق حاضر عبارت است از: ژئواکونومی دانش شناخت، کسب، بهره‌برداری و حفظ منابع جغرافیایی قدرت با نگرش و تأکید بر ماهیت اقتصادی در مناسبات فرو ملی، ملی، منطقه‌ای و جهانی. به بیانی دیگر، استفاده و بهره‌برداری از منابع جغرافیایی قدرت با ماهیت اقتصادی جهت دستیابی به اهداف و استراتژی‌های اقتصادی در مناسبات فرو ملی، ملی، منطقه‌ای و جهانی (جان‌پرور، ۱۳۹۶، ص ۶۴-۶۵).

- مناسبات ژئواکونومیک

مطالعه و شناسایی عوامل تأثیرگذار بر روابط ژئوپلیتیکی (همگرایی و واگرایی) از اولویت‌های اصلی جهت برقراری روابط خارجی مطلوب با همسایگان و دیگر کشورهای جهان است (محمدی و احمدی، ۱۳۹۴، ص ۱۲۹). با ورود به عصر جهانی‌شدن و افزایش پیوندها بین کشورها و بازیگران در عرصه‌های مختلف زمینه برای گسترش اهمیت و جایگاه مسائل اقتصادی بین کشورها و بازیگران بیشتر کرده است و پیوندهای بین آنها را تا حد زیادی افزایش یافته است. باید توجه داشت که برخی ژئواکونومی را استفاده از قدرت ژئوپلیتیک یا نظامی برای رسیدن به اهداف اقتصادی می‌دانند. برخی دیگر تعریف گسترده‌تری از ژئواکونومی دارند و آن را درهم‌تنیدگی اقتصاد بین‌الملل، ژئوپلیتیک و استراتژی می‌دانند. به نظر می‌رسد یک تعریف سه‌بخشی از ژئواکونومی می‌تواند تا حدود زیادی جامعیت داشته باشد: «ژئواکونومی، استفاده از ابزارهای اقتصادی برای دفاع از منافع ملی و تولید نتایج مفید ژئوپلیتیکی و تأثیر اقدامات اقتصادی سایر ملت‌ها بر اهداف ژئوپلیتیکی کشور است». اولین بخش، استفاده از ابزارهای اقتصادی برای پیشینه کردن و دفاع از منافع ملی است و دومین بخش فهم این است که چگونه حداقل از جهت تنوریکی، قدرت اقتصادی داخلی می‌تواند موجب ارتقای تصویر قدرت یک کشور در نظام بین‌الملل شود و سومین بخش، تأثیر اقدامات اقتصادی دیگر ملت‌ها و کشورها بر اهداف ژئوپلیتیکی کشور است (Blackwill & Harris, 2016). مبتنی بر این باید گفت، مناسبات ژئواکونومیک عبارت است از مناسباتی که مبتنی بر مؤلفه‌های ژئواکونومیک شامل

منابع جغرافیایی قدرتی که به صورت مستقیم و غیرمستقیم ماهیت اقتصادی داشته است و بر مناسبات ژئوپلیتیک بین کشورها اثرگذاری دارند، گفته می‌شود (جان پرور، ۱۳۹۶، ص ۱۳۶).

یافته های تحقیق

بررسی حاصل از نظریه‌ها و دیدگاه‌هایی که در زمینه ژئوپلیتیک و ژئواکونومیک، منابع جغرافیایی قدرت مرتبط با مسائل اقتصادی صورت گرفته است، نشان‌دهنده آن است که دیدگاه کاملی در این زمینه وجود ندارد و برای دستیابی به مؤلفه‌های ژئواکونومیک مؤثر بر مناسبات کشورها باید بتوان از منابع و کارهای مختلف استفاده کرد. بر این مبنا، برای اینکه بتوان در پژوهش حاضر به صورت جامع‌تر مؤلفه‌های ژئواکونومیک مؤثر بر مناسبات کشورها را مورد تحلیل و بررسی قرار داد از نظریه‌ها و دیدگاه‌ها و کارهای قبل این مؤلفه‌ها که شامل ۳۴ مورد بوده است، استخراج شده و برای درک بهتر و متناسب با پایه اصلی شکل‌دهنده در قالب دو بعد مؤلفه‌های ژئواکونومیک اولیه که به صورت مستقیم مبتنی بر منابع آب هستند و مؤلفه‌های ژئواکونومیک ثانویه که به صورت غیرمستقیم و با واسطه بر منابع آب تأثیرگذار هستند، در قالب جدول ذیل ورده شده است. البته باید توجه داشت که این مؤلفه‌ها دارای همپوشانی و هم‌افزایی هستند و بر یکدیگر تأثیر گذاشته و از یکدیگر تأثیر می‌پذیرند و دسته‌بندی آن‌ها در قالب دو بخش جدا نشان‌دهنده عدم تأثیرگذاری و پیوند بین آنها نیست.

جدول ۲: شاخص‌های اصلی تحقیق

ردیف	ابعاد	مؤلفه‌های ژئواکونومیک
۱	مؤلفه‌های ژئواکونومیک اولیه (مستقیم)	منابع انرژی؛ منابع باارزش معدنی؛ تعداد جمعیت فعال؛ میزان GDP؛ منابع مشترک مرزی؛ بازارچه‌ها و گذرگاه‌های مرزی؛ میزان تولیدات صنعتی؛ تفاهم‌نامه‌های دوجانبه و چندجانبه اقتصادی؛ سطح توسعه تکنولوژی؛ میزان تولیدات کشاورزی؛ میزان بالانس صادرات و واردات؛ موقعیت ترانزیتی و بازرگانی؛ میزان سرمایه‌گذاری خارجی در بخش‌های مختلف؛ وضعیت دسترسی به آب‌های آزاد و تجارت بین‌المللی؛ بنادر بزرگ تجاری؛ فرودگاه‌های بین‌المللی؛ اصل هم تکمیلی اقتصادی؛ گفتمان اقتصادی حاکم بر فضای منطقه و جهان؛ وسعت (پهنه وسیع جهت احداث صنایع)؛ موقعیت ژئواکونومیک کشور؛
۲	مؤلفه‌های ژئواکونومیک ثانویه (غیرمستقیم)	تعداد جمعیت غیرفعال؛ منابع آب؛ وضعیت زیرساخت‌های ارتباطی؛ قوانین و مقررات در حوزه اقتصاد؛ بارگاه ائمه اطهار (گردشگری مذهبی)؛ سیاست ارتباطی؛ سیاست خارجی کشور؛ ثبات یا بی‌ثباتی سیاسی؛ همگنی یا ناهمگنی حکومت‌ها؛ نگرش دو کشور به یکدیگر؛ توازن یا عدم توازن سطح توسعه جغرافیایی کشور؛ وزن ژئوپلیتیک کشورها؛ تعداد همسایگان

تحلیل مولفه های ژئواکونومیک مستقیم

مناسبات و تعامل بازیگران با یکدیگر مبتنی بر چارچوب‌ها و پایه‌های مختلف شکل می‌گیرد و متغیرها و مولفه‌های مختلفی بر این مناسبات مؤثر است. این مؤلفه‌ها مبتنی بر زمان و مکان و مبتنی بر رویکردها و گفتمان‌های حاکم بر فضاهای جغرافیایی می‌تواند متفاوت باشد. از رویکردهای ایدئولوژیک، نظامی، فرهنگی گرفته تا اقتصادی و غیره. این مناسبات بین کشورها و دولت‌ها در طی دهه‌های اخیر دچار تغییراتی شده است و متناسب با این تغییر و تحولات اقتصاد و مولفه‌های اقتصادی در قالب‌های مختلف اقتصادی سیاسی، جهانی شدن اقتصاد و همچنین ژئواکونومی در شکل‌دهی به مناسبات و روابط بین کشورها از اهمیت و جایگاه برجسته‌ای برخوردار شده است.

به نحوی که دولت‌ها به شکل فزاینده‌ای از ابزارهای اقتصادی برای اعمال سیاست قدرت استفاده می‌کنند. اهمیت روزافزون اقتصاد در طراحی سیاست خارجی، نه تنها مباحث مهمی را پیشروی جریان‌های نظری مختلف روابط بین‌الملل و سایر حوزه‌های مطالعاتی قرار داده؛ بلکه پیامدهای جدی برای نهادهای تصمیم‌ساز داشته و محاسبات سیاست خارجی کشورها را دستخوش تغییرات بنیادین کرده است (صباغیان و جلالی، ۱۴۰۰: ۷۰). این تغییر و تحولات در مناسبات و روابط بین کشورها در قالب‌های مختلف از جمله ژئواکونومی برجسته شده است و شکل و نوع مناسبات را بین بازیگران به‌ویژه بازیگران همسایه را دستخوش تغییر و تحول کرده است. این مسئله متناسب با اهمیت و جایگاه مناطق جغرافیایی از نظر اقتصادی در ارتباط است. به صورتی که در جهان نقاط جغرافیایی خاصی وجود دارد که تسلط بر آنها به طور ویژه‌ای موجب افزایش ثروت و قدرت یک کشور می‌شوند. بسیاری از صاحب‌نظران از تفوق ژئواکونومی بر ژئوپلیتیک در قرن بیست و یکم سخن به میان آورده‌اند (عزتی، ۱۳۸۳: ۲۱۵). به نحوی که امروزه در اختیار داشتن امکانات اقتصادی وسیع و سرزمین‌های غنی به لحاظ منابع اقتصادی یک مزیت عمده برای هر کشوری محسوب می‌شود بر روابط ژئوپلیتیکی تأثیرگذار است. به همین خاطر، توان ارضی و مرزی بینش کشورها علاوه بر بعد استراتژیک از بعد اقتصادی نیز برخوردار است. رقابت کشورهای چین، تایوان، ویتنام، فیلیپین، برونئی و مالزی بر سر مالکیت جزایر اسپراتلی در دریای چین جنوبی به خاطر غنی بودن این جزایر به لحاظ ذخایر نفت و گاز زیر زمینی و مواد معدنی آن است (احمدی سیلوه و همکاران، ۱۴۰۱: ۶) بر این مبنا می‌توان گفت که ژئواکونومی به‌عنوان عرصه شکل‌دهنده و هدایت‌گر مناسبات بین بازیگران به‌ویژه بازیگران همسایه از اهمیت بالایی برخوردار شده است.

همان گونه که در فصل نظری تحقیق بیان شده است ژئواکونومی به‌عنوان یک گرایش در ژئوپلیتیک به‌عنوان دانش شناخت، کسب، بهره‌وری و حفظ منابع جغرافیایی قدرت با تأکید به نگرش اقتصادی در مناسبات فرو ملی، ملی منطقه‌ای و جهانی است (جان‌پرو، ۱۳۹۶: ۶۵). مبتنی بر این تعریف منابع جغرافیایی قدرت با ارزش سطح ملی زمانی که بتوانند با نگرش اقتصادی در مناسبات بین بازیگران جهت طراحی استراتژی‌ها در نظر گرفته شوند، به‌عنوان مولفه‌های ژئواکونومیک مستقیم شناخته می‌شوند. به بیان دیگر مولفه‌های ژئواکونومیک مستقیم (اولیه) شامل منابع جغرافیایی قدرت با ارزش سطح ملی است که به‌صورت مستقیم می‌توان در طراحی استراتژی‌های ژئواکونومیک در مناسبات با سایر بازیگران در سطوح مختلف فرو ملی، ملی، منطقه‌ای و جهانی مورد استفاده قرار گیرد. قاعدتاً این مولفه‌های ژئواکونومیک مستقیم مؤثر بر مناسبات بین کشورها، در میان کشورهای همسایه و دارای پیوند از جمله کشور عراق و جمهوری اسلامی ایران از اهمیت و جایگاه برجسته‌ای در شکل‌دهی به مناسبات آنها برخوردار است. چرا که کشورهای همسایه و نزدیک به‌صورت‌های مختلف تحت تأثیر مستقیم و بدون واسطه کنش‌ها، پیوندها، سیاست‌ها و غیره یکدیگر قرار می‌گیرند و به بیان اصل اولیه جغرافیایی "تابلر" پدیده‌های جغرافیایی نزدیک بر یکدیگر بیشتر از پدیده‌های جغرافیایی دور تأثیر می‌گذارند و از یکدیگر تأثیر می‌پذیرند. از سوی دیگر برخی از مولفه‌های ژئواکونومیک در بین کشورهای همسایه مشترک است و به‌صورت مشترک مورد استفاده قرار می‌گیرد، یا مبتنی بر نزدیکی و پیوندهای فضاهای جغرافیایی به‌صورت یک منبع با ارزش در دو سوی مرز امتداد یافته است، یا اینکه شکوفایی و بهره‌وری از آن مؤلفه به مناسبات با کشورهای همسایه به‌نوعی در ارتباط است و غیره. در این میان مولفه‌های مستقیم ژئواکونومیک بین دو کشور عراق و جمهوری اسلامی ایران با توجه به پیوندها و ویژگی‌های خاصی که دارا هستند از جایگاه برجسته‌ای برخوردار هستند. مهم‌ترین مولفه‌های ژئواکونومیک مستقیم (اولیه) مؤثر بر مناسبات بین بازیگران ژئوپلیتیک مستخرج از نظریه‌ها و کارهای گذشته شامل ۱۸ مؤلفه است که در قالب شکل ۴-۱ آورده شده است.



شکل ۱: مولفه های ژئواکونومیک مستقیم (اولیه)

با توجه به تعداد زیاد آنها یک مولفه یعنی منابع انرژی فسیلی (نفت و گاز) به عنوان مولفه ژئواکونومیک موثر بر مناسبات بین دو کشور مورد بحث قرار می گیرد:

منابع انرژی فسیلی (نفت و گاز) با وجود پیشرفت‌های گوناگونی که در تأمین نیازهای گوناگون بشر شکل گرفته است، همچنان موضوع تأمین انرژی برای همه کشورهای جهان در بالاترین اولویت قرار دارد (کولایی، ۱۳۸۹: ۶۳). بر این مبنا می‌توان گفت که منابع انرژی، عناصر مهم برای قدرت دولت به حساب می‌آیند به گونه‌ای که هر اندازه یکی دولت دارای منابع بیشتری باشد از قدرت بیشتری برخوردار خواهد بود. البته منابع انرژی ظرفیت‌هایی هستند که چنان چه یک دولت بتواند به نحو شایسته آنها را استخراج کرده و استفاده کند، قدرت دولت افزون‌تر خواهد شد (شیرخانی و مهاجر پور، ۱۳۹۱: ۴-۳). زیرا، انرژی از منابع کمیاب زمین است و بهترین منابع در بازی‌های قدرتی منابع کمیاب هستند. لاجرم منابع کمیاب اهمیت ژئوپلیتیک بالایی دارند؛ یعنی امکان زیادی را برای پیشبرد اهداف در رقابت‌های قدرتی به دست می‌دهند. مسئله دسترسی به منابع انرژی اعم از فسیلی، اتمی، خورشیدی و غیره و نیز انتقال انرژی از مکان‌های برخوردار به مکان‌ها و فضاهای بدون انرژی و نیازمند، و نیز کنترل منابع تولید و مسیرهای انتقال انرژی همچنین تکنولوژی‌ها و ابزارهای تولید، فراوری و انتقال و حتی مصرف انرژی برای حفظ سیادت جهانی و منطقه‌ای و به چالش کشیدن رقبا در عرصه بین‌المللی، جملگی دارای ابعاد مکانی، فضایی و یا جغرافیایی است و به همین اعتبار انرژی را به موضوع ژئوپلیتیک مهمی تبدیل نموده است (محرابی و همکاران، ۱۳۹۲: ۳۷-۳۸) و به مکان‌های دارنده این منابع انرژی جایگاه برجسته ژئواستراتژیکی داده است. در عصر حاکمیت گفتمان ژئواکونومیک، اقتصاد نقشی برجسته‌تر از هر زمان دیگر یافته و ژئوپلیتیک انرژی فصل نوینی را در روابط بین‌المللی گشوده است. به نظر می‌رسد منابع انرژی به‌عنوان یکی از مهم‌ترین متغیرهای ژئوپلیتیک در نظام سیاسی کنونی جهان در تعاملات بین‌المللی میان کشورها و نیز انتقال از مکان‌ها و فضاهای بدون انرژی، و نیز کنترل منابع تولید و مسیرهای انتقال انرژی، و نیز تکنولوژی‌ها و ابزارهای تولید، فراوری و انتقال و حتی مصرف انرژی برای حفظ سیادت جهانی و منطقه‌ای و چالش کشیدن رقبا در عرصه بین‌المللی، جملگی دارای ابعاد مکانی، فضایی و یا جغرافیایی است و به همین اعتبار انرژی را به موضوع ژئوپلیتیک مهمی تبدیل نموده است. زیرا انرژی و تمام ابعاد و جنبه‌های آن ملتقای سه پارامتر جغرافیا، قدرت و سیاست است (حافظ‌نیا، ۱۳۸۵: ۱۰۳). با برجسته‌تر شدن مسائل و مباحث اقتصادی در عصر حاضر و شکل‌گیری گفتمان ژئواکونومی زمینه برای برجسته‌تر شدن جایگاه منابع انرژی به‌ویژه نفت و گاز در مناسبات بین کشورها از اهمیت و جایگاه برجسته‌ای برخوردار شد. در این مناسبات میزان منابع نفت و گاز، میزان تولید، مسیرهای انتقال، بازاریابی و... از اهمیت بالایی برخوردار است.

در این میان دو کشور عراق و جمهوری اسلامی ایران با توجه به منابع عظیم نفت و گازی که دارا هستند به‌عنوان دو کشور تولید کنند و صادرکننده نفت و گاز مطرح هستند که در جریان تولید و بازاریابی قاعدتاً به‌نوعی بین دو کشور در مناسبات ژئوپلیتیک مؤثر در نظر گرفته شود. بر این مبنا می‌توان منابع انرژی فسیلی دو کشور عراق و جمهوری اسلامی ایران را به‌عنوان یک مؤلفه ژئواکونومی در نظر گرفت.

تحلیل مولفه‌های ژئواکونومیک غیر مستقیم

در کنار مولفه‌های ژئواکونومیک مستقیم که بدون واسطه بر طراحی استراتژی‌ها و مناسبات بین دو کشور عراق و جمهوری اسلامی ایران تأثیر می‌گذارند برخی از مؤلفه‌ها با واسطه و به‌صورت غیرمستقیم اثرگذار هستند. مبتنی بر تعریف ژئواکونومی می‌توان مولفه‌های ژئواکونومیک غیرمستقیم (ثانویه) را این گونه تعریف کرد. منابع جغرافیایی قدرت با ارزش سطح ملی زمانی که با واسطه و غیرمستقیم در مناسبات بین بازیگران جهت طراحی استراتژی‌های اقتصادی در نظر گرفته شوند، به‌عنوان مولفه‌های ژئواکونومیک غیرمستقیم شناخته می‌شوند. به بیان دیگر مولفه‌های ژئواکونومیک غیرمستقیم (ثانویه) شامل منابع جغرافیایی قدرت با ارزش سطح ملی است که به‌صورت غیرمستقیم و با واسطه می‌توان در طراحی استراتژی‌های ژئواکونومیک در مناسبات با سایر بازیگران در سطوح مختلف فرو ملی، ملی، منطقه‌ای و جهانی مورد استفاده قرار گیرد. مهم‌ترین مولفه‌های ژئواکونومیک مؤثر بر مناسبات بین بازیگران ژئوپلیتیک مستخرج از نظریه‌ها و کارهای گذشته شامل ۱۶ مورد است که در قالب شکل ۴-۱ آورده شده است. بر این مبنا، در این بخش از تحقیق تلاش خواهد شد با توجه به تعدد شاخص‌ها به چند مورد از مولفه‌های ژئواکونومیک غیرمستقیم (ثانویه) مؤثر بر مناسبات دو کشور همسایه عراق و جمهوری اسلامی ایران اشاره شود.



شکل ۲: مولفه های ژئواکونومیک غیر مستقیم (ثانویه)

با توجه به تعداد زیاد آنها یک مولفه یعنی ساختار ژئوپلیتیک منطقه به عنوان مولفه ژئوآکونومیک غیر مستقیم موثر بر مناسبات بین دو کشور جمهوری اسلامی ایران و عراق مورد بحث قرار می‌گیرد:

امروزه باتوجه به تحولات صورت گرفته در جهان از جمله جهانی شدن، ورود به عصر اطلاعات و... بسیار مشکل است که کشوری به تنهایی و به صورت انفرادی بتواند منافع ملی خود را در سطح جهان پیگیری کند و به بقای خود ادامه دهد. چرا که به دلیل پیوندها و وابستگی‌هایی که بین کشورها ایجاد شده است و همچنین بی‌ثباتی سیاسی و ضعف‌های استراتژیکی بسیاری از کشورها تأمین امنیت ملی به تنهایی تقریباً غیرممکن است؛ بنابراین کشورها برای تأمین امنیت و منافع ملی خود همکاری و همراهی را امر معقول و مطلوب می‌بینند. در این راستا است که فرامرزی شدن منافع و خواست‌های ملی کشورها در دهه‌های پایانی قرن بیستم (جهانی شدن‌ها) را سبب شده است. جهانی شدن اقتصاد بازار آزاد و اقتصادی شدن نظام جهانی که از دهه پایانی قرن بیستم سرعت زیادی پیدا کرد، رقابت‌های ژئوآکونومیک و ژئواستراتژیک را در جهان رونق فراوانی داد این دگرگونی پراهمیت در نظام جهانی سبب تشویق منطقه‌گرایی و روی آوردن به همکاری‌ها و گروه‌بندی‌های همگرایی‌های منطقه‌ای برای واقعیت بخشیدن به رقابت‌های مؤثر میان منطقه‌های جهان در نظام شکل گیرنده ژئوپلیتیک جهانی دوران پست‌مدرن گردیده است (مجتهدزاده، ۱۳۸۱: ۲۰۳-۲۰۲). از سوی دیگر باید توجه داشت، ژئوپلیتیک برای دستیابی به یک سیاست خارجی اثربخش و کارآمد بر شناسایی محدودیت‌ها و امکانات به وجود آمده از وضعیت و موقعیت‌های در حال تحول منطقه‌ای و جهانی تأکید دارد. هر دولتی در فضای جغرافیایی خاص، دارای منافع خاصی است که آن‌ها را در عرصه بین‌الملل پیگیری می‌کند. به عبارت دیگر هیچ کشوری نمی‌تواند محتوا، جهت‌گیری و حتی اهداف سیاست خارجی خود را مستقل از ماتریس ژئوپلیتیک خود طراحی و هدایت کند. به عنوان مثال قرار گرفتن ایران در «چهارراه حوادث» جهان باعث شده تا امکان اتخاذ سیاست بی‌طرفی از سوی آن در زمان رویدادهای مهم منطقه‌ای غیرممکن شود (نقیب‌زاده، ۱۳۸۴: ۱۷۰). در این میان کشور عراق نیز از این قاعده مستثنی نیست و قاعداً تحت تأثیر مستقیم ساختار ژئوپلیتیک منطقه یعنی خاورمیانه به عنوان یک منطقه دارای شرایط خاص و درگیری‌های و چالش‌های متعدد قرار دارد. به عنوان مثال کشور عراق باتوجه به اینکه در سواحل خلیج فارس محدودیت دسترسی به آب‌های آزاد را دارا است و از سوی دیگر سواحل عراق، به دلیل عمق کمشان - البته، به استثنای خور عبدالله - برای ایجاد بندی مناسب نیستند و تنها از طریق دو بندر بصره و ام‌القصر امکان دسترسی عراق به خلیج فارس ممکن است، ضمن آنکه باید یادآور شد بندر بصره بافاصله ۱۲۰ کیلومتری از خلیج فارس واقع شده و از طریق ارون‌دود به این دریا متصل است، بندر ام‌القصر نیز در کنار خوری پر جزرومد قرار گرفته و با جزایر وره و بوبیان کویت احاطه شده است (Yekta, 1979: 80) که موقعیت فرودستی را به کشور عراق نسبت به دو همسایه خود یعنی ایران و کویت داده است. از سوی دیگر رقابت منطقه‌ای بین ترکیه، ایران، عربستان و عراق برای رهبری منطقه، رقابت در حوزه انرژی و غیره به صورت‌های مختلف ساختار ژئوپلیتیک منطقه تأثیرگذار بوده است و مناسبات بین کشورها را تحت شعاع خود قرار داده است. براین اساس، می‌توان ساختار ژئوپلیتیک منطقه‌ای را به عنوان یکی از مؤلفه‌های ژئوآکونومیک ثانویه (غیرمستقیم) مؤثر بر مناسبات کشورها از جمله کشور عراق و ایران در نظر گرفت که روند اثرگذاری آن در طی دهه‌ها مناسبات بین کشورهای حاضر در منطقه خاورمیانه را تحت تأثیر خود قرار داده است.

نتیجه گیری

منطقه غرب آسیا، با اهمیت برجسته ژئوپلیتیک و ژئواستراتژیک در طی دهه‌های اخیر همواره مورد توجه بازیگران مختلف بوده است و از سوی دیگر مناسبات در درون منطقه نیز از اهمیت بالایی برخوردار است. در این میان بررسی مناسبات ژئوآکونومیکی دو کشور عراق و ایران به دلیل جایگاه ویژه‌ای که در این منطقه دارند از اهمیت ویژه‌ای برخوردار بود، لذا در تحقیق حاضر با رویکردی جدید و در قالب بررسی مولفه‌های ژئوآکونومیکی مؤثر در مناسبات به صورت دو بخش مولفه‌های اولیه و ثانویه ژئوآکونومیکی در نظر گرفت. باید توجه داشت که شناخت و درک مؤلفه‌های ژئوآکونومیک مؤثر بر مناسبات کشورها به ویژه کشورهای همسایه نظیر جمهوری اسلامی ایران و عراق در اشکال و انواع مختلف آنها از اهمیت بالایی برخوردار

هستند. این مولفه‌ها را می‌توان در قالب دو بخش مولفه‌های ژئواکونومیک مستقیم و غیر مستقیم در نظر گرفت باید توجه داشت که مؤلفه‌های ژئواکونومیک از جمله مؤلفه‌های ژئوپلیتیک هستند که با نگرش اقتصادی از اهمیت و جایگاه برجسته‌ای در مناسبات بین بازیگران ژئوپلیتیک برخوردار هستند که در این تحقیق بر اساس بررسی نظریات و دیدگاه مرتبط با مسائل ژئواکونومیکی و به‌منظور درک بهتر در قالب دو بخش به صورت ذیل هستند:

- مولفه‌های اولیه مؤثر بر مناسبات ژئواکونومیک (مولفه‌های مستقیم) که شامل ۲۰ مؤلفه: منابع انرژی، منابع باارزش معدنی، تعداد جمعیت فعال، میزان GDP، منابع مشترک مرز، بازارچه‌ها و گذرگاه‌های مرزی، میزان تولیدات صنعتی، تفاهم‌نامه‌های دوجانبه و چندجانبه اقتصادی، سطح توسعه تکنولوژی، میزان تولیدات کشاورزی، میزان بالانس صادرات و واردات، موقعیت ترانزیتی و بازرگانی، میزان سرمایه‌گذاری خارجی در بخش‌های مختلف، وضعیت دسترسی به آب‌های آزاد و تجارت بین‌المللی، بنادر بزرگ تجاری، فرودگاه‌های بین‌المللی، اصل هم تکمیلی اقتصادی، گفتمان اقتصادی حاکم بر فضای منطقه و جهان، وسعت (پهنه وسیع جهت احداث صنایع) و موقعیت ژئواکونومیک کشور هستند.
- مولفه‌های ثانویه مؤثر بر مناسبات ژئواکونومیک (مولفه‌های غیرمستقیم) که شامل ۱۴ مؤلفه: تعداد جمعیت غیرفعال، منابع آب، وضعیت زیرساخت‌های ارتباطی، همگنی یا ناهمگنی حکومت‌ها، قوانین و مقررات در حوزه اقتصاد، بارگاه ائمه اطهار (گردشگری مذهبی)، سیاست ارتباطی، سیاست خارجی کشور، ثبات یا بی‌ثباتی سیاسی، نگرش دو کشور به یکدیگر، توازن یا عدم توازن سطح توسعه جغرافیایی کشور، وزن ژئوپلیتیک کشورها، تعداد همسایگان و شخصیت رهبران سیاسی هستند.

منابع

- ۱- ابراهیم‌زاده، ع؛ موسوی، م.ن؛ باقری کشکولی، ع؛ (۱۳۹۵). آمایش ژئوپلیتیک و ژئواکونومیک مناطق مرزی جنوب شرق کشور و راهبردهای توسعه آن مطالعه موردی: استان سیستان و بلوچستان. *فصلنامه جغرافیا و توسعه*. شماره ۴۲، ۲۶-۱.
- ۲- بهرامی جاف، س؛ (۱۴۰۱)؛ *طراحی الگوی مناسبات ژئوپلیتیک ایران و آمریکا*. (رساله منتشر نشده دکتری جغرافیای سیاسی دانشگاه فردوسی مشهد). ایران.
- ۳- پاسکال، ل؛ و توال، ف؛ (۱۳۸۱). *کلیدهای ژئوپلیتیک*. ترجمه حسن صدوقی ونینی. تهران: انتشارات دانشگاه شهید بهشتی.
- ۴- جان پرور، م؛ (۱۳۹۶). *ژئوپلیتیک برای همه*. تهران: نشر انتخاب؛
- ۵- جعفری نیا، ع؛ (۱۳۹۹). بنیان‌های ژئوپلیتیک روابط ایران با عراق نوین. *فصلنامه نگرش‌های نو در جغرافیای انسانی*. دوره ۱۲، شماره ۴۸، ۶۲۶-۶۵۰.
- ۶- حافظ‌نیا، م.ر؛ (۱۳۸۵). *اصول و مفاهیم ژئوپلیتیک*. چاپ اول. مشهد: انتشارات پاپلی.
- ۷- حافظ‌نیا، م.ر؛ (۱۳۹۶). *اصول و مفاهیم ژئوپلیتیک* (همراه با تجدیدنظر و اضافات). مشهد: انتشارات پاپلی.
- ۸- حافظ‌نیا، م.ر؛ رشید، غ.ع؛ پرهیزگار، ا؛ افشردی، م.ح؛ (۱۳۸۶). *الگوی نظری طراحی راهبرد دفاعی مبتنی بر عوامل ژئوپلیتیک*. *فصلنامه ژئوپلیتیک*. سال ۳ (۲). ۷-۳۸.
- ۹- حسین‌پوریان، ر؛ (۱۳۹۲)؛ تبیین مؤلفه‌های جغرافیایی و ژئوپلیتیک روابط در مناطق ژئوپلیتیک، *فصلنامه ژئوپلیتیک*، سال نهم، شماره ۲، پیاپی ۳۰، ۱۶۱-۲۰۳.
- ۱۰- حیدری نکو، س؛ (۱۳۹۰). *نقش میدان‌های مشترک نفتی بر روابط ایران و عراق بعد از قطع‌نامه ۵۹۸*. (پایان نامه منتشر نشده کارشناسی ارشد علوم سیاسی. دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران مرکز. ایران.
- ۱۱- خلیلی، م؛ حیدری، ج؛ صیادی، ه؛ اصغری ثانی، ح؛ (۱۳۹۲). مدل‌سازی ژئوم‌های ژئوپلیتیک تأثیرگذار بر سیاست خارجی ایران و عراق. *فصلنامه علمی - پژوهشی مطالعات جهان اسلام*. دوره ۱، شماره ۳، ۱۷-۴۴.
- ۱۲- دالبی، س؛ انتوتایل، ژ؛ روتلج، پ؛ (۱۳۸۰). *اندیشه‌های ژئوپلیتیک در قرن بیستم*. ترجمه محمدرضا حافظ نیا و هاشم نصیری، انتشارات وزارت امور خارجه، تهران.

- ۱۳- رشنو، ن.ا؛ و حمیدی فراهانی، ه.ه؛ (۱۳۹۲). نگاهی به ژئوپلیتیک و دیپلماسی اقتصادی جمهوری اسلامی ایران. تهران: انتشارات مرکز ملی جهانی شدن.
- ۱۴- طیبیه، ف. (۲۰۱۸). *التطور التاريخي للعلاقات العراقية الإيرانية وأفاقها المستقبلية*. مرکز بغداد. للدراسات والاستشارات و الاعلام.
- ۱۵- عزتی، ع.ا؛ و ویسی، ه.ه؛ (۱۳۸۵). تحلیل ژئوپلیتیک و ژئواکونومی خط لوله گاز ایران هند. *فصلنامه ژئوپلیتیک*. سال ۲ (۲). ۲۷-۴۵.
- ۱۶- شیرخانی، م ع و مهاجر پور، ح؛ (۱۳۹۱). واقع‌گرایی و نقش منابع انرژی در سیاست خارجی. *فصلنامه تحقیقات سیاسی بین‌المللی*. شماره ۱۳
- ۱۷- صباغیان، ع و جلالی، م؛ (۱۴۰۰). مولفه‌های ژئواکونومیک سیاست خارجی فرانسه در فضای رقابت‌های ژئوپلیتیک غرب آسیا و پیامدهای آن برای روابط ایران - فرانسه. *فصلنامه علمی مطالعات روابط بین‌الملل*. سال ۱۴. شماره ۵۳. ۱۸-۱۸
- ۱۹- کریمی پور، ی.ا؛ عزیزی، ا.ح؛ ربیعی، ح؛ و متقی، ا؛ (۱۳۹۷). تبیین مولفه های اثرگذار بر پیوند استراتژیک کشورها مطالعه موردی: ایران و عراق. *نشریه تحقیقات کاربردی علوم جغرافیایی*. دوره ۱۸. شماره ۴۸. ۲۱-۳۹.
- ۲۰- کمپ، ج؛ هارکوی، ر؛ (۱۳۸۳). *جغرافیای استراتژیک خاورمیانه*. ج ۱. ترجمه سید مهدی حسینی متین. تهران: پژوهشکده مطالعات راهبردی.
- ۲۱- کولایی، ا؛ (۱۳۸۹). نقش ایران در امنیت انرژی در منطقه و جهان. *فصلنامه تحقیقات سیاسی و بین‌المللی*. شماره ۴.
- ۲۲- لوتوارک، ا؛ (۱۹۹۰). *از ژئوپلیتیک تا ژئواکونومی*، ترجمه: محمدرضا حافظ‌نیا و هاشم نصیری. تهران: دفتر مطالعات سیاسی بین‌المللی.
- ۲۳- مجتهدزاده، پ؛ (۱۳۹۶). *جغرافیای سیاسی و سیاست جغرافیایی*. تهران: انتشارات سمت.
- ۲۴- محمدی، ح.ر؛ و احمدی، ا؛ (۱۳۹۵). تحلیل دوسطحی از ژئوپلیتیک واگرایی روابط ایران و پاکستان سناریوهای آینده این روابط و ارائه راهکارهای همگرایی. *فصلنامه پژوهش‌نامه راهبردی سیاست*. دوره ۵. شماره ۱۹. ۱۲۹-۱۵۶.
- ۲۵- محرابی، ع و همکاران (۱۳۹۲). بررسی جایگاه ژئوپلیتیک انرژی در تأمین امنیت ملی ایران از منظر سه رویکرد امنیت ملی (گسترش محور، حفظ محور و توسعه محور). *فصلنامه ژئوپلیتیک*. سال نهم. شماره اول
- ۲۶- مختاری‌هشی، ح؛ (۱۳۹۷). تبیین مفهوم ژئواکونومی (اقتصاد ژئوپلیتیک) و توصیه‌هایی برای ایران. *فصلنامه ژئوپلیتیک*. سال ۱۴. شماره ۲. ۵۶-۸۲.
- ۲۷- مویر، ر؛ (۱۳۷۹). *درآمدی نو بر جغرافیای سیاسی*. ترجمه: دره میرحیدر و یحیی صفوی. انتشارات سازمان جغرافیای نیروهای مسلح. تهران.
- ۲۸- نقیب‌زاده، ا (۱۳۸۴). جامعه‌شناسی بی‌طرفی و روان‌شناسی انزواگرایی در تاریخ دیپلماسی ایران. تهران: مرکز اسناد انقلاب اسلامی
- ۲۹- هادی، ح؛ (۱۴۰۱). *تحلیل ژئوپلیتیکی منابع جغرافیایی قدرت کشور عراق*. (پایان نامه منتشر نشده کاشناسی ارشد جغرافیای سیاسی). دانشگاه فردوسی مشهد. ایران.
- ۳۰- هاشمی، م؛ فرجی‌راد، ع.ر؛ و سرور، ر؛ (۱۳۹۵). بررسی عوامل موثر ژئوپلیتیک عراق و تأثیر آن بر امنیت ملی جمهوری اسلامی ایران. *فصلنامه تحقیقات سیاسی و بین‌المللی*. دوره ۸. شماره ۲۸. ۶۳-۹۴.

- 31- Blackwell, R. D. & Harris, J. M. (2016). *War by Other Means: Geoeconomics and Statecraft*, Cambridge. Harvard university press.
- 32- Kazi, A. (2007). *End of Geopolitics and the Beginnings of Geopolinomics: the United States in Central and Southwest Asia. Presentation during the conference "The aspects of EU-Central Asia Relations,"* April 27, 2007, Berlin, Germany. Embassy of Kyrgyz Republic and Akademikerbund, Hamburg e.V.
- 33- Luttwak, E (1993), *The Endangered American dream*, Newyork: Simon and Schuster.
- 34- Ó Tuathail, G; Dalby, S. and Routledge, P. (1998), *The Geopolitics Reader*, First Published. London and New York: Routledge.

-
- 35- Rosecrance, R and Stein, A (1973). *Interdependence: Myth or Reality? World Politic* XXVI.
- 36- Yekta, H. (1997). *Iraq's political and military actions against Iran before the incidence of war (Islamic Revolutionary, Imposed War and the international system)*, Tehran: Print Center and Organization of Islamic Publishing .
- 37-